

بررسی علل طلاق توافقی در میان اقوام عرب اهواز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ - پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۶

خلاصه

مقدمه

از آنجا که طلاق توافقی در میان ایرانیان عرب تبار ساکن اهواز نسبت به سایر شهرهای کشور شیوع بیشتری پیدا کرده است به این دلیل موضوع طلاق توافقی از اهمیت خاصی در مطالعات مربوط به خانواده برخوردار می‌باشد این پژوهش با هدف بررسی علل طلاق توافقی در بین اقوام ایرانیان عرب تبار انجام شده است.

روش کار

نوع مطالعه با روش تلفیقی کمی و کیفی از ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه انجام شده است. جامعه آماری شامل ۶۵۰ مورد طلاق توافقی زوجین و ۸ مورد شیوخ عرب اهواز بوده است. در این پژوهش از اطلاعات موجود در ۱۷ دفترخانه ثبت طلاق شهر اهواز در بازه زمانی تابستان ۱۳۹۶ تا تابستان ۱۳۹۷ استخراج گردید. حجم نمونه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۲۷۷ مورد تعیین گردید که با این وجود برای کاهش سطح خطا ۳۰۰ مورد در نظر گرفته شد. گردآوری داده‌ها با روش پرسشنامه‌ای و مصاحبه انجام گرفته و سوالات آن خودساخته است و در پی سنجش واقعیت‌های عینی است که با تمرکز روی متغیرها و بدون ارزش‌گذاری و با استقلال زمینه‌ها، انجام پذیرفته است.

نتایج

نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان داد؛ عوامل ازدواج اجباری در سنین پایین، تحمیل کارهای دشوار به زن، روابط فرا زناشویی، اعمال خشونت زوج نسبت به زن، حمایت شیوخ و بزرگان عشیره، باور ترجیح جنسی، تأثیر مثبتی بر طلاق توافقی داشته است. فرضیات این تحقیق که با استفاده از تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون و به صورت فراوانی بوده است. سطح معنی داری ۰/۰۰۰ است که با خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است. البته روایی آن با روش محتوایی سازه و صوری تأیید و پایایی اندازه‌گیری، با فرمول آلفای کرونباخ (به اندازه ۰/۷۹۶) تأیید شده است.

نتیجه گیری

طلاق توافقی در میان ایرانیان عرب تبار اهواز از ویژگی‌های متمایزی نسبت به طلاق توافقی و معنای رایج آن برخوردار است، به طوری که این طلاق تحت تأثیر خرده فرهنگ‌های حاکم بر زندگی قومی و قبیله‌ای قرار داشته و عوامل مؤثر بر آن جدای از خواسته‌های فردی به تعصبات قومی، رفع مصالحت‌آمیز برخی از ناهنجاری‌ها، انحرافات خانوادگی، جلوگیری از وقوع انتقام‌گیری، قتل و خونریزی بوده است. در این میان شیوخ و بزرگان هر طایفه نقش میانجی‌گری را برعهده داشتند و از حیث شکل و معنای طلاق توافقی در بین این اقوام ماهیت دیگری داشته است که در این پژوهش به آن‌ها اشاره شده است.

کلمات کلیدی

ازدواج اجباری، تعصبات قومی و قبیله‌ای، روابط فرا زناشویی، طلاق توافقی، اهواز.

لیلا علی پور^{۱*}

ماهرو غدیری^۲

محمد مهدی لیبی^۳

یوسف غضبانی^۴

۱- دانشجوی دکتری مطالعات زنان گرایش حقوق زن در

اسلام- دانشگاه ادیان و مذاهب

۲- استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۳- استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۴- استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

Email: alipour. leila 95@gmail.com

مقدمه

براساس آمار رسمی، در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۳، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، به ترتیب تعداد ۱۵۵۳۶۹، ۱۶۳۵۶۹، ۱۶۳۷۶۵، ۱۷۴۵۹۷، ۱۷۵۶۱۴ و در سال ۱۳۹۷، ۱۷۹ هزار طلاق در ایران ثبت شده است. آمارها از افزایش چهار هزار موردی در سال گذشته نسبت به مدت مشابه سال پیش خبر می‌دهند که با توجه به سال ۱۳۹۶ تقریباً ۲/۵ درصد افزایش داشته است. (۱). پدیده طلاق در حوزه خانواده عواملی تأثیرگذاری را در بر می‌گیرد، که در شرایط کنونی روز به روز با افزایش بی‌شماری با طلاق توافقی در اجتماع مواجه هستیم. طلاق توافقی هر چند با رضایت زوجین انجام می‌پذیرد، ولی با این حال حق طلاق طبق قانون با شوهر داده شده است. و در صورت موافقت مرد، همسر خود را می‌تواند طلاق داده و باعث انحلال و پایان دادن زندگی مشترک خود می‌باشد. (۲) توجه به آمار طلاق منتشره از سوی اداره کل ثبت احوال استان خوزستان گویای این مطلب است که در سال ۱۳۹۵ تعداد ۸۲۱۴ فقره شهری و ۷۲۲ فقره روستایی یعنی تعداد ۸۹۳۶ فقره گزارش شده است. از بین این تعداد ۲۷۹۸ فقره در شهرستان اهواز بوده که ۲۷۳۹ فقره شهری و ۵۹ فقره روستایی بوده است و در سال ۱۳۹۶ تعداد ۸۵۶۵ فقره شهری و ۶۴۲ فقره روستایی یعنی تعداد ۹۲۰۷ فقره در استان صورت گرفته است. از بین این تعداد، ۳۴۳۳ فقره در شهرستان اهواز بوده که ۳۴۱۰ فقره شهری و ۲۳ فقره روستایی بوده است. (۳). در سال ۱۳۹۷ تعداد ۲۰۰۰ فقره طلاق در اهواز نسبت به سال ۱۳۹۶ اضافه شده است. ثبت احوال آمار دقیقی به تفکیک قوم عرب نداشت محقق مجبور شده به دفاتر ثبت طلاق مراجعه نماید و از ۱۷ دفترخانه شهر اهواز با شمارش از دفاتر دستی و سیستمی تقریباً ۲۰۸۳ فقره طلاق را بدست آورد، از بین این آمار ۶۵۰ فقره در طول یک سال تابستان ۱۳۹۶ تا تابستان ۱۳۹۷ دست به اقدام طلاق توافقی زده‌اند. در ادامه کار به صورت کیفی از شیوخ عرب تبار اهواز مصاحبه انجام شده است که این روش

تلفیقی کمک می‌کند محقق به اطلاعات دقیق‌تری دست پیدا کند. این نشانگر افزایش طلاق در میان اقوام عرب اهواز است و نکته دیگر اینکه طلاق توافقی نسبت به طلاق‌های دیگر آمار بیشتری را به خود اختصاص داده است. پژوهشگر این پژوهش ساکن اهواز و مدیر مدرسه که مستقیم با زندگی‌های قوم عرب با مشاهدات عینی توانسته چالش‌ها و کیس‌های را در این زمینه مشاهده نماید که با توجه به موارد خاص دست به طلاق توافقی زده‌اند. در این میان این سوال برای محقق مطرح شده است که آیا منازعات خانوادگی در میان زوجین، با دخالت بزرگان و رئیس قبیله به صورت مستقیم، امکان حل و فصل دارد یا خیر؟ پژوهشگر در این پژوهش به دنبال عوامل طلاق توافقی در بین قوم ایرانیان عرب تبار اهواز است و اینکه چرا چنین اتفاقی رخ داده و چه عواملی در این باره دخیل‌اند؟ چنانچه در گذشته منازعات و توافقات خانوادگی با حضور ریش‌سفیدان حل و فصل می‌شود حال جای سوال است چرا با وجود شیوخ عرب آمار طلاق بویژه طلاق توافقی در میان زوجین بالا رفته است. فرضیات این فرضیه‌های پژوهش به دو دسته فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی تقسیم می‌شود: فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین ویژگی‌های فرهنگی و قومی و قبیله‌ای ایرانیان عرب تبار اهواز در چگونگی وقوع طلاق توافقی در بین آنان رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه‌های فرعی: ۱. به نظر می‌رسد بین نقش شیوخ و بزرگان قبایل با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. ۲. به نظر می‌رسد بین نگاه خاص اقوام عرب نسبت به زن با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. ۳. به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و اجتماعی با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. ۴. به نظر می‌رسد بین رضایت زوج با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. ۵. به نظر می‌رسد بین مردسالاری در خانواده با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. که هدف پژوهش‌گر شناخت عوامل طلاق‌های توافقی در بین ایرانیان عرب تبار اهواز است و چرا با

وجود ریش سفیدها و محفوظ بودن جایگاه فرهنگی آنها در حلّ و فصل منازعات کار زوج‌های عرب در اهواز به طلاق می‌انجامد؟ کشف عوامل مؤثر طلاق و نشان دادن روند آن می‌تواند به آسیب‌شناسی در این حوزه کمک کند و با شناختن وضعیت موجود و آثار پیامدهای آن نکات مثبت احتمالی تقویت و نسبت به جنبه‌های منفی احتمالی تدابیر لازم اعم از اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و قضایی از طرف دست اندرکاران اتخاذ گردد. بنابراین لازم است یک بررسی علمی دقیقی در رابطه با طلاق توافقی میان اقوام عرب اهواز صورت گیرد تا نهادهای فرهنگی بتوانند با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش راه کارهای مناسبی اتخاذ نمایند. اهمیت این موضوع برای پژوهش در این است که هیچ پژوهش کمی یا کیفی تاکنون به صورت خاص نسبت به طلاق توافقی در میان اقوام ایرانی تبار اهواز انجام نگرفته است. این در حالی است، این پدیده در چند سال اخیر در بین ایرانیان عرب تبار اهواز شیوع زیادی پیدا کرده است. مردهای عرب به لحاظ فرهنگی برای ازدواج‌های مجدد^۱ مشکلی ندارند و در گذشته کمتر دست به طلاق می‌زدند ضمن اینکه نظام عشیره‌ای در میان آنها سبب می‌شده است که تاکنون بدون مراجعه به دادگاه‌ها مشکلات بین زوجین توسط ریش سفیدهای عشیره منازعات و درگیری‌ها را حلّ می‌گردید و کمتر کار زوجین به طلاق کشیده می‌شده است. از طرفی طبق گفته‌های قضات و سردفترهای ازدواج و طلاق در شهر اهواز علل اختلافات و مشکلاتی که منجر به طلاق توافقی و جدایی میان زن و شوهرهای ایرانیان عرب تبار می‌گردد، پیچیده و مخفی است و اغلب علّتی که مرد و یا زن برای اتخاذ چنین تصمیمی مطرح می‌کنند، اصلی‌ترین و مهم‌ترین علّت نیست. اتخاذ تصمیم بزرگی چون

طلاق، دلیل روشنی بر وجود تعارضات عمیق‌تر در روابط زوجین است، عدم امکان تعامل و هماهنگی میان آنها سبب اخذ تصمیم بر طلاق گردد و افرادی با وجود آگاهی از تبعات طلاق در همه ابعادش، حکایت از مشکلات جدی در میان خانواده‌ها دارد، که دست به چنین اقدامی می‌زنند. نکته دیگر که اهمیت این دارد و به نظر می‌رسد زنان در میان ایرانیان عرب تبار اهواز در طلاق توافقی به حقوق خود نمی‌رسند که این نیز بررسی لازم را می‌طلبد تا جامعه در مسیر عدالت هر چه بیشتر قرار گیرد. بنابراین لازم است بررسی علمی دقیقی در رابطه با طلاق توافقی در میان ایرانیان عرب تبار اهواز صورت گیرد، عوامل این طلاق را شناسایی قرار گیرد، تا نهادهای فرهنگی بتوانند با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش راه کارهای مناسبی در جهت کاهش طلاق توافقی اتخاذ نمایند. محبوبه بیات، (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کیفی پدیده‌ی طلاق (مطالعه موردی: بانوان متقاضی در محاکم قضایی خانواده مشهد سال ۹۰-۹۱)»، با روش کیفی با بهره‌گیری از نظریه‌ی زمینه‌ای به ۲۳ مقوله فرعی دست یافته است که شامل: مردسالاری، ناهمگون همسری، داشتن آمادگی برای پذیرش ازدواج، اختلافات فکری، وابستگی به مواد مخدر، مسئولیت‌گریزی، ادراک ناباوری‌های دینی،^۳ توانی در گفتگو، نفی مشاور توسط همسر، خشونت روانی و کلامی،^۴ خشونت و نارضایتی جنسی،^۵ خشونت اجتماعی،^۶ خشونت فیزیکی،^۷ مردسالاری، منابع و مطالبات نابرابر^۸ و طلاق توافقی می‌باشد (۴).

باقرساروخانی، علیرضا قاسمی، (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر افزایش طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه»، با روش‌های کمی (پیمایش) و کیفی (اسنادی و کتابخانه‌ای)، به این نتیجه رسید که تقابل ساختار سنتی

⁵ Sexual dissatisfaction

⁶ Social violence

⁷ Physical violence

⁸ Unequal claims

¹ Remarriages

² Heterogeneous marriage

³ Perception of religious infidelities

⁴ Psychological and verbal violence

نوع همبستگی است، در آن داده‌های موجود به کمک تحلیل ثانویه انجام شده است. به عبارت دقیق‌تر مطالعه از نوع تحلیل ثانویه داده‌های مقطعی بوده است. بدین صورت پس از کسب مجوز رسمی از دادگاه‌های خانواده استان یزد، داده‌های مربوط به موضوع طلاق توافقی طی سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ دریافت، آماده‌سازی، تفکیک و سپس با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب تجزیه و تحلیل شده‌اند. نمونه‌گیری به صورت تصادفی بوده است. در مجموع ۲۲۵۰ پرونده حقوقی متقاضیان طلاق توافقی، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق دخالت اطرافیان، وضعیّت اشتغال، داشتن سابقه طلاق، نوع ازدواج زوجین، مدت زمان زندگی مشترک، سن زوجین به هنگام ازدواج، بدگمانی و بدبینی، عصبانیت و ناباروری تأثیر معناداری در طلاق توافقی بین زوجین دارد ولی وضعیّت مسکن، تعداد فرزندان، افسردگی و رضایت جنسی تأثیر معناداری بر طلاق توافقی بین زوجین ندارد (۷)، کالمیجن^۳ و دیگران (۲۰۰۴م)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان افزایش طلاق توافقی زنان شاغل»، نشان داده‌اند، اگر زنان به علت کار دارای درآمد باشند و نیز محل کارشان نیز برایشان جذاب و جالب توجه باشد، میزان طلاق نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر عوامل اقتصادی، طرفداری زنان از هنجارهای آزادی‌بخش به طور قابل توجهی میزان طلاق را افزایش می‌دهد (۸). اگر با دیدی واقع بینانه به مطالعات انجام شده نگاه شود ملاحظه می‌گردد، هر مطالعه‌ای در هر زمینه‌ای دارای نقاط قوت و ضعف است. پژوهش‌گران بعدی در آن زمینه مطالعه می‌کنند و وظیفه دارند تا به نقد و بررسی مطالعات انجام شده بپردازند، به طوری کلی هم کاستی و هم محاسن آن را در قالب نقدی به دور از تعصب و همراه با بی‌طرفی ارزشی بیان نمایند. با بررسی مطالعات انجام شده در داخل کشور می‌توان گفت اگر

و مدرن در جامعه کنونی ایران، فردگرایی نیمه‌تمام، افزایش آگاهی و اشتغال زنان، تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به ازدواج، جامعه‌پذیری ناقص و کاهش کنترل اجتماعی از عوامل افزایش طلاق در جامعه می‌باشد. مقایسه دو نوع طلاق توافقی و غیر توافقی نشان می‌دهد که طلاق توافقی بیشتر از سوی افراد طبقه متوسط جامعه مورد استقبال قرار می‌گیرد، این افراد نسبت به افرادی که به صورت غیر توافقی اقدام به طلاق می‌کنند، به ساختارهای مدرن جامعه نزدیکتر بوده و به زندگی نگرش غیر سنتی دارند و نسبت به یکدیگر در زندگی و حتی در فرآیند طلاق مسالمت‌آمیز برخورد می‌کنند. کمتر خیانت می‌کنند و کمتر به مواد مخدر اعتیاد دارند و دغدغه‌های اقتصادی آنها کمتر از دغدغه‌های فردی، عاطفی و فرهنگی در جدایی این افراد اهمیت دارد. (۵). ثریا پورنصیری، بهروز روستاخیز، داریوش بوستانی، (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «کندوکاو پدیده طلاق توافقی (مورد مطالعه: مردان شهرستان تالش)»، با روش کیفی انجام گرفته، تعداد ۱۸ مرد که به طور توافقی طلاق گرفته بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان و مفاهیم، از یکی از استراتژی‌های روش نمونه‌گیری هدفمند؛ یعنی نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و همچنین نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. نتایج پژوهش عبارت‌اند از: ناپختگی برای ازدواج، آشنایی و شناخت شتابزده همسر، دخالت و اهمیت نظر افراد مهم، عدم همراهی خانواده با ازدواج، تفاوت منزلتی-پایگاهی بین همسران، پیمان شکنی همسر،^۱ معادله‌های پی‌درپی، توافق برای جدایی، چانه‌زنی و سازش بر سر مهریه، رضایت از ازدواج مجدد و اعتقاد به زندگی بهتر بعد از جدایی به عنوان علل طلاق توافقی شناسایی شدند (۶). مصطفی ابوذری، (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق توافقی در استان یزد»، پرداخته است. این مطالعه از

³ Calmegan

¹ Breach of contract

² Suspicion and pessimism

چه در زمینه طلاق توافقی مطالعات نسبتاً زیادی انجام شده است و می‌تواند پیشینه مناسبی برای پژوهش‌گر باشد ولی در برخی از این مطالعات تنها نگرش به طلاق توافقی مورد بررسی قرار گرفته است و توجهی به عوامل را در رفتار افراد در زمینه طلاق توافقی به صورت نگرش کلی بیان شده است و در مورد عواملی که در ایرانیان عرب تبار مؤثر است به آنها اشاره‌ای نشده است، در حالی نگرش این قومیت در اهواز چه به صورت مثبت یا منفی نسبت به این پدیده همواره به رفتار مثبت یا منفی در آن زمینه منجر نمی‌شود، بلکه باورها و عقاید قبیله و عشیره خود سهم بیشتری در این خصوص دارد و مطالعات و تحقیقات داخلی خود می‌تواند به عنوان یک راهنما برای کار در نظر گرفت که چارچوب کار از کجا باید شروع به کجا ختم شود و چگونه می‌توان به تئوری مناسب دست پیدا کرد. در بررسی‌های پژوهش‌گر که تا الان انجام داده پژوهشی درباره طلاق توافقی در قومیت عرب مشاهده نگردیده است، اما قومیت‌های دیگر را مورد کنکاش قرار داده‌اند. در زمینه مطالعات خارجی نیز باید اذعان نمود، در مقایسه پژوهش آن‌ها با تحقیقات داخلی در زمینه طلاق توافقی تنها توصیفی هستند، بطوری که از بیان رابطه متغیرهای مهم با طلاق توافقی صرف نظر شده در برخی موارد هم تنها به رابطه یک یا دو متغیر خاص با طلاق توافقی پرداخته شده است. با این حال نمی‌توان از ارزش کار چنین مطالعاتی غافل بود، زیرا در برخی از موارد اطلاعاتی به پژوهش‌گر می‌دهد مانع از گمراه شدن و دوباره کارهایی ممکن است گریبان‌گیر پژوهش‌گر شود. در این پژوهش سعی شده است بیشتر موارد مطرح شده پوشش داده شود و ضمن یافتن پاسخ به سوالات، زمینه مطالعات بیشتری در این خصوص برای پژوهش‌گران فراهم آید. رویکردهای قیاسی نقش عمده‌ای در شناخت پدیده‌ها و ساخت مفاهیم دارند. پژوهشگر از

طریق مبانی نظری این نظریه پردازان می‌تواند پدیده‌های مختلف از جمله طلاق توافقی را از چشم‌اندازهای مختلف مشاهده نماید و با جوانب مختلف آن درگیر شود. هرچند طلاق توافقی دارای جنبه‌ها و مسیرهای پیچیده‌ای می‌توان به موضوعات مختلف نظری آن بحث نمود. نظریه انومی^۲ توسط بسیاری از اندیشمندان و از جمله پیربورویو مطرح شده است و در این نظریه بیان می‌کند، جامعه دارای دو ویژگی مهم وجود دارد؛ نخست تحت تأثیر آداب و رسوم و سنت‌ها قرار دارد و در مرحله دوم تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن و ارزش‌های عمدتاً غربی قرار می‌گیرد اگر به قول رابرت مرتن «روش‌ها و اهداف» را در نظر بگیریم افرادی نه روش‌های حاکم بر جامعه و نه اهداف حاکم بر آن قبول دارند افرادی انومیک یا بی‌هنجار می‌شود، در موضوع ازدواج و تشکیل خانواده نیز افراد انومیک عمدتاً از پایداری به برخی اصول و قواعد سرپیچی می‌کنند. در این حالت طبیعی است که افراد پایداری به زندگی نداشته باشند و تمایل به طلاق در آنان افزایش یابد یا به سوی اشکال نوینی از زندگی مشترک روی آورند، ما از آنها تحت عنوان هم‌بالینی یا هم‌باشی یا ازدواج سفید^۳ یاد می‌کنیم، دوام چنین زندگی‌های مشترکی بسیار کم و انسجام آنها در سطح پایین و کاملاً شکننده است و زمینه را برای طلاق توافقی فراهم می‌سازد. (۹). نظریه همسان‌همسری^۴ توسط باقر ساروخانی مطرح شده است. در این نظریه معتقد است، طلاق به عنوان یک تجربه زیسته، با طلاق به عنوان آن چه دیده شده بسیار متفاوت است. طلاق ساختاری از ناهمسان‌همسری منتج می‌شود؛ به این معنی ساختار خانواده دچار مشکل بوده و طلاق نتیجه منطقی آن است، اما طلاق ارتجاعی یا عرضی یا تصادفی در مقابل طلاق ساختاری است، به دلیل مشکلات ساختاری خانواده نیست بلکه به صورت تصادفی و بر اثر اتفاق رخ می‌دهد و بعد از وقوع آن،

³ White marriage

⁴ The same-sex theory

¹ Deductive approaches

² Anomalous theory

خانواده برای رخ دادن این حادثه دلیل منطقی پیدا نمی‌کند. ممکن است در طول زمان، ناهمسان همسری ثانوی ایجاد شود؛ به این معنی ممکن است مرد موقعیت شغلی و تحصیلی خود را ارتقاء دهد، اما زن، خانه‌دار باقی مانده باشد، این مسئله اشاره به ساختارهای ثانوی ایجاد شده در طول زمان دارد و باعث ناهمسان همسری ثانوی می‌شود. این ساختارهای ثانوی به صورت مثبت نیز بر ساختارهای خانواده تأثیر می‌گذارد. «ناهمسان همسری» یکی از مهم‌ترین دلایل بروز طلاق است. گاهی ممکن است دو نفر همسان به تشکیل یک خانواده اقدام کنند، بنابراین ما با پدیده همسان همسری روبه‌رو هستیم اما با تشکیل خانواده‌هایی از یک زوج ناهمسان روبه‌رو هستیم؛ مسلماً ادامه زندگی برای شان ممکن نخواهد بود. بروز ناهمسانی پس از ازدواج هم رخ خواهد داد، گاهی خانواده درگیر اتفاق خاصی می‌شود مثلاً یکی از زوجین معتاد می‌شود یا یکی از زوجین ادامه تحصیل می‌دهد بنابراین زوجی که در ابتدا همسان بوده تبدیل به یک زوج ناهمسان می‌شود و خانواده در ابتدا ساختار متوازن داشته دچار برهم خوردن توازن می‌شود بنابراین باید به این نکته توجه کرد، حتی اگر زوج‌ها هنگام ازدواج همسان باشند باز هم ممکن است توازنشان را در طول زمان از دست بدهند (۱۰). با استفاده از این نظریه اگر همسان همسری وجود نداشته باشد احتمال طلاق توافقی افزایش پیدا می‌کند و در نظریه شبکه‌های خویشاوندی^۱ توسط الیزابت بات، مطرح شده است. طبق این نظریه تفکیک نقش‌های زن و شوهر با میزان تراکم شبکه‌ای همبسته است، زوجین بیرون از خانه برای حفظ خود از آن پیروی می‌نمایند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیکتر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر تفکیک شده و این سبب بوجود آمدن یک زنجیره

ارتباطی میان آن‌ها می‌شود. ولی گاهی هر چه شبکه‌ها کم تراکم‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه کمتر نشانگر جدایی و تفکیک هستند. این خود در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌گردد. هنگامی اشخاص با یک فرد آشنا هستند دارای کنش درونی فشرده با هم هستند. یعنی وقتی شبکه‌ی متراکم وجود بین اعضای شبکه به نوعی وفاق مشترک در مورد هنجارها دست یابد، برای تبعیت از آنها به اعمال فشار اجتماعی غیررسمی دست خواهد زد، این عامل سبب ایجاد ارتباطات متعدد با یکدیگر ناشی از همیاری متقابل بین افراد می‌باشد (۱۱). با توجه با این نظریه خویشاوندان می‌توانند به عنوان یک مانع جدی برای جلوگیری از جدایی زوجین اقدام نمایند در گذشته نیز نقش خویشاوندان نزدیک بسیار پررنگ بود و معمولاً هنگامی اختلافی بین زن و شوهران پیش می‌آمد توسط افراد فامیل و نزدیکان با گفتگو و مصالحه برطرف می‌گردید و باعث بقای زندگی زناشویی می‌شد. در مورد موضوع پژوهش این رساله شیوخ و بزرگان عشیره در موارد عادی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند و باعث رفع اختلافات می‌شوند. بنابراین نقش آنها را می‌توان مثبت دانست. اما در مواردی وضعیت خاصی بوجود می‌آید، مانند خیانت یکی از طرفین چون امکان مصالحه وجود ندارد سعی می‌کنند این مصالحه را در جدایی افراد با حفظ آبرو و حیث آنها و جلوگیری از درگیری و تقابل‌های قومی و قبیله‌ای انجام دهد و در نظریه فمینیست سوسیالیست، مردسالاری را به عنوان نظامی از ساختارها و عمل اجتماعی می‌دانند و در آن مردان بر زنان حاکمیت و سلطه دارند آنان را مورد استثمار قرار می‌دهند. مردسالاری را متشکل از شش ساختار نسبتاً خودمختار در نظر می‌گیرد و چگونگی ترکیب متغیرهای این ساختار در جوامع مختلف انعطاف لازم را به نظام مردسالاری می‌دهد.

³ Ethnic Conflicts

¹ Theory of kinship networks

² Elizabeth bat

ساختاری ششگانه عبارت‌اند از: استعمار زنان و کار خانگی بدون دستمزد، روابط موجود در بازار کار، دولت، خشونت مردان علیه زنان، روابط جنسی و فرهنگ جامعه می‌شود (۱۲). با توجه به مبانی‌های مطرح شده از متفکرین ایرانی و خارجی در خصوص طلاق توافقی پژوهش حاضر نظریات گفته شده است و عبارتند از: نظریه سرمایه فرهنگی؛ با عقاید (پیر بوردیو، اینگلهارت)، نظریه انومی؛ با عقاید (مرتن، گیدنز، تسری، گرونبرگ)، نظریه عشق سیال با عقاید (گیدنز)، نظریه همسان‌همسری؛ با عقاید (ساروخانی، میالیک و الویت)، نظریه شبکه خویشاوندی؛ با عقاید (الیزابت بات)، نظریه واقعیت اجتماعی؛ با عقاید (میلز، دورکیم، مارکمن، استنلی و بلمبرگ، کوپر، پارسونز)، نظریه دزدگی زناشویی؛ با عقاید (برنشتاین، گاتمن، جاکوبسن، والدرون، دمور)، نظریه مردسالاری؛ با عقاید (جیلز، مارکس، والبی، سی لی وا، ریتزر) نظریه هویت و قومیت؛ با عقاید (تونیس، دوپچ، دوران، بایندر، گیدنز، جنکینز، اولریخ بک)، نظریه قومیت و فرآیند مدرنیته؛ با عقاید (اسمیت)، نظریه کاربرد زبان؛ با عقاید (ویتگشتاین) بوده است. با مروری بر نظریات آنها سعی شده است، رابطه میان نظریه‌ها و موضوع طلاق توافقی در بین ایرانیان عرب تبار اهواز بوجود آورد و سبب یکسان سازی و اهمیت این موضوع با مبانی‌های نظری مشخص گردد. چارچوب نظری از مراحل اساسی علم روش تحقیق است و بر مبنای نظریه‌ی خاص پدیده را بررسی می‌کند. پژوهش گر بعد از تعیین موضوع پژوهش و مطالعات اکتشافی با نگاهی فراگیر به اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع اسنادی و غیراسنادی، به مهار کردن ایده‌های نظری مرتبط با پدیده‌ی مورد بررسی می‌پردازد. پس از آن پژوهش‌گر محورهای اصلی نظری پژوهش خود را مشخص کرده و طرح نظری مناسب با مسئله‌ی تحقیق خود را ارائه می‌دهد. طرح نظری مسئله در نهایت به تلاش‌های تحقیقاتی شکل و جهت علمی

منتهی می‌گردد. نظریه می‌تواند چارچوبی را برای ایجاد فرضیه‌ها با سوالات تحقیق ارائه نماید و بخش‌های مهم طرح تحقیق اعم از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و ارائه و تفسیر یافته‌ها را جهت ببخشد. وظیفه پژوهش‌گر یافتن یک چارچوب نظری مناسب است، تا تحقق خود را در بستر آن انجام دهد. نقش شیوخ و بزرگان قبایل، با توجه به نظریه خویشاوندی؛ الیزابت بات، به این نتایج رسیدیم که با تشکیل شبکه همبسته یک زنجیره ارتباطی میان خانواده‌ها و زوجین که تشکیل زندگی مشترک می‌دهند ایجاد نمود و شیوخ در رأس هرم این شبکه می‌باشند و این خود می‌تواند نقش‌های فشار فرهنگی را کم‌تر نماید و نتیجه آن وفاق و همدلی مشترکی بین آنها ایجاد خواهد شد. شیوخ در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز به عنوان میانجیگر و تسهیل‌گری در واقع نقش شورای حل و اختلاف را دارند. که این فرآیند با عقاید الیزابت بات هماهنگی و ارتباط معناداری دارد. نگاه خاص اقوام عرب نسبت به زن، با توجه به نظریه همسان همسری؛ میالیک و الویت، به این نتایج رسیدیم که فرآیند ارتباطات و نقش وسایل ارتباطی عاملی در تغییر ارزش و نگرش‌ها خواهد شد. قوم ایرانیان عرب تبار اهواز با توجه به اینکه مردان خود را در رأس خانواده می‌دانند زنان را به زور تحت سلطه خود می‌نمایند، این نگرش با عقاید میالیک و الویت هماهنگی و ارتباط معناداری دارد. عوامل اقتصادی و اجتماعی، با توجه به نظریه واقعیت اجتماعی؛ مارکن، استنلی و بلمبرگ، به این نتایج رسیدیم که عامل تنگدستی، بی‌کاری خود زاییده‌ی بحران اقتصادی بین زن و شوهر می‌گردد و این عوامل می‌تواند سبب ناسازگاری و فشارهای عاطفی و در نتیجه نابودی زندگی مشترک گردد، در صورت دیگر حمایت اجتماعی می‌تواند جلوی خشونت و بی‌هنجاری خانگی را بگیرد و با کاهش تعارضات زندگی و از بین بردن پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد. این نوع دیدگاه با عقاید

¹ Cultural pressure

هویت و قومیت؛ تونس، دویچ و دوران به این نتایج رسیدیم پدیده مدرنیته و تأثیرات مدرن شدن جوامع سنتی، همه اجزاء فرهنگ که بخش اصلی بدنه فرهنگ عمومی است با این تغییرات سبب می‌گردد به سوی صنعتی شدن و تغییراتی در فرهنگ و نوع نگاه آنها گردد. اقوام ایرانی با بحران هویت روبرو هستند و با وجود تعصبات فرهنگی که در میان قوم ایرانیان عرب تبار اهواز بسیار ملموس تر است و با وجود ویژگی‌های فردی، بافت فرهنگی و اجتماعی و اختلاف‌های طبقه‌ای و قومی و عدم بلوغ فکری و مهارت‌های زبانی خود سبب بوجود آمدن طلاق توافقی خواهد شد. مدرنیته شدن ملیت و قومیت سبب از بین رفتن فرآیندهای سنتی خواهد شد و این مرگ تدریجی برای اقوام پیش‌بینی می‌شود و این نوع دیدگاه با عقاید تونس، دویچ و دوران، اینکلهارت هماهنگی و ارتباط معناداری دارد. پس با توجه به مبانی نظری گفته شده یک مدل کلی بدست آمده، این مدل نشانگر ارتباط تنگاتنگی با متغیرهای مستقل با متغیر اصلی یعنی ویژگی‌های فرهنگی و قومی می‌باشد و این یک ارتباط معناداری با طلاق توافقی داشته است.

روش کار

پژوهش حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی و به روش تلفیق کمی و کیفی به فکر اثبات عوامل طلاق توافقی در میان ایرانیان عرب تبار اهواز می‌باشد و با کشف مقوله‌های مربوطه و نیز توصیف روابط موجود در بین این مقوله‌ها به منظور ایجاد نظریه تأکید دارد اگر چه ایجاد یک نظریه از داده‌ها هدف اصلی پژوهش حاضر نیست، این روش به این دلیل انتخاب گردید که هدف پژوهش، کشف عوامل و چگونگی طلاق توافقی در میان ایرانیان عرب تبار اهواز مورد مطالعه قرار گرفته شده است در این روش، پژوهشگر با پاسخ‌گویان سروکار داشتند و پاسخ‌گویان از زوجین که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند که متقاضی طلاق توافقی در دادگاه خانواده شهرستان اهواز در طی تابستان ۱۳۹۶ سال تا تابستان ۱۳۹۷ به صورت توزیع پرسش‌نامه انجام گرفته

مارکن، استلی و بلمبرگ هماهنگی و ارتباط معناداری دارد، عامل تغییرات نگرشی خود سبب بوجود آمدن ارزش‌های جدید در زندگی مردان و زنان و نحوه نگرش متفاوت آنها خواهد گردید و با وجود منافع لذت نه بخاطر فرزندان زاویه دید آنها سمت جدایی و انحلال زندگی مشترک سوق پیدا کرده است و هیچ توجهی به فرزندان نخواهند شد. عامل دیگر رضایت زوجه، با توجه به نظریه انومی؛ تسری، گرونبرگ به این نتایج رسیدیم که رضایت یا عدم رضایت زوجین بخشی از زندگی می‌تواند روی زمینه‌ها و بخش‌های دیگر تأثیر مستقیم بگذارد. و زن و شوهر با ناآگاهی در زمینه حقوق و انتظارات طرفین سبب پاشیدگی زندگی زناشویی خواهند شد، این نوع دیدگاه با عقاید تسری، گرونبرگ هماهنگی و ارتباط معناداری دارد. عامل دیگر مردسالاری در خانواده، با توجه به نظریه مردسالاری؛ والبی و سی لی وا، گیدنز به این نتایج رسیدیم، خشونت علیه زنان و باورهای اجتماعی و استعمار زنان و ملزم کردن زن به کارهایی که برخلاف میل ذاتی او باشد و جزء زورگویی محسوب می‌گردد و با عقاید والبی و سی لی وا رابطه تنگاتنگی دارد و نتیجه اینکه تسط بر زنان چیز جز نارضایتی از زندگی و بوجود آمدن نابرابری جنسی به همراه ندارد. فمینیسم رادیکال قصد دارد با حذف مردسالاری زن را این وضعیت نجات دهد، حال اینکه در زندگی قوم ایرانیان عرب تبار اهواز شیوه زندگی پدرسالاری یا مردسالاری مثل گذشته وجود دارد و این بر می‌گردد به دیدگاه مردان که خود را نان‌آور و حمایت‌کننده زنان می‌دانند. به همین دلیل فرزندان بر حسب سنت والدین رفتارهای آنها را تکرار و تقلید می‌نمایند، به نظر گیدنز تنها راه خارج شدن و پایان دادن به سنت‌ها و باورها تأثیر مدرنیته و بازنندیشی فردی است. این نوع دیدگاه با عقاید والبی و سی لی وا، گیدنز می‌تواند یک هماهنگی و ارتباط معناداری داشته باشد و در آخر عامل ویژگی‌های فرهنگی و قومی و قبیله‌ای که با توجه به نظریه سرمایه فرهنگی؛ اینکلهارت و نظریه

۰,۷۸۰	۴	مردسالاری در خانواده
-------	---	----------------------

۰,۸۲۸	۸	ویژگیهای فرهنگی و قومی و قبیله‌ای
-------	---	-----------------------------------

با توجه به جدول ۱، ضریب آلفای کرونباخ به عنوان یکی از ضرایب پایایی یا قابلیت اعتماد شناخته می‌شود. این ضرایب از عمومی‌ترین ضرایبی است، که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق ۵ متغیر مستقل میانگین آلفای آنها ۰/۷۹۶ محاسبه گردیده است. با توجه به پرسش اصلی و ابهام یافته‌های تجربی از پرسشنامه، محقق چندین مصاحبه برای راستی آزمایی سوالاتی که پاسخگویان به آن درصد بالایی را داده بودند از دیدگاه شیوخ این مسائل بررسی گردید و بصورت تلفیقی به نتایج یکسانی در پژوهش رسیده باشند. پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است و مضامین و شاخص‌های کمی بدست آمده، مورد تحلیل و ارزیابی از طریق مصاحبه انجام گرفت. بر این اساس از ۸ شیوخ عرب مصاحبه حضوری، با توجه به جواب تکراری آنها به سوالات به اشباع نظری رسیدیم و نتیجتاً محقق توانست با این تعداد شیوخ به جواب سوالات خود برسد. روش پژوهش از سه شیوه و مرحله‌ی کدگذاری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بکار گرفته شد. محقق در ابتدای انجام مصاحبه به تحلیل سوالات مورد نظر پرداخته و پس از انجام مصاحبه از همه‌ی متن مصاحبه‌ها، کدگذاری باز در قالب بیش از ۲۰ مفهوم در این مرحله بدست آمده است. در مرحله‌ی بعدی یعنی کدگذاری محوری ۱۴ مفهوم نزدیک به هم استخراج گردید که در نهایت این مفاهیم و داده‌ها، کدگذاری انتخابی به یک نظریه در روش کیفی حاصل شده و ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و جهت صحت نظریه‌ی بدست آمده اطمینان حاصل گردد. مضافاً اینکه تجزیه و تحلیل پژوهش کنونی در پرسشنامه با تحلیل‌های موجود در مصاحبه مقایسه شده و صحت آنها تأیید گردید. در بخش یافته‌های پژوهش، همه‌ی مفاهیم فوق توضیح داده خواهد شد.

است، در ادامه کار جهت روشن شدن وضعیت طلاق توافقی از ابزار گردآوری مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل با استفاده از مطالعه‌ی کتاب‌ها، مقالات، پایگاه‌های اینترنتی صورت گرفت، به جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌برداری و دسته‌بندی موضوعی مطالب آن و استفاده از آنها صورت گرفت. ابزار مورد استفاده در این پژوهش کامپیوتری و نرم افزار SPSS است که در آن با استفاده از جداول و نمودارها و انواع آزمون‌های آماری و ضرایب همبستگی، روابط متغیرها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، همچنین از نرم‌افزارهای Word و Excel برای تایپ و ترسیم نمودارها استفاده شده است. از متداول‌ترین ابزارهای سنجش با توجه به سؤال مطرح شده، روش همبستگی از نوع یک متغیر وابسته و چند متغیر مستقل است (۱۳). داده‌های این پژوهش از توزیع سوالات پرسشنامه از چارچوب نظری استخراج شده است. بین ۳۰۰ مورد از زوجین که دست به اقدام طلاق توافقی نموده‌اند و هدف از این پژوهش پیدا نمودن چگونگی و عوامل طلاق توافقی هدف کار محقق است و در ادامه از روش کار پیمایشی انجام شده است که بر حسب طیف لیکرت همه پرسش‌ها یک مفهوم اساسی را دنبال می‌کردند و مورد سنجش قرار می‌داد. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل، دخالت شیوخ و بزرگان، نگاه خاص به زن، عوامل اقتصادی و اجتماعی، رضایت زوجه، مردسالاری، با متغیر اصلی ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای مقایسه گردد و رابطه معنادار بودن متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مشخص گردد و توجه متغیر وابسته به موضوع (طلاق توافقی در میان ایرانیان عرب‌تبار) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌گردد.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرهای مستقل

متغیرها	پرسش‌نامه	ضریب آلفا
نقش شیوخ و بزرگان در قبایل	تعداد گویه	۰,۷۶۱
نگاه اقوام اعراب نسبت به زن	تعداد گویه	۰,۸۲۲
عوامل اقتصادی، اجتماعی	تعداد گویه	۰,۷۷۰
رضایت زوجه	تعداد گویه	۰,۸۱۲

نتایج

آمار توصیفی: در این بخش به توصیف برخی از متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود و علاوه بر جدول فراوانی و توصیف داده‌ها به سهولت می‌توان به رابطه‌های موجود بین متغیرها پی برد.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش با طلاق توافقی

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
نقش شیوخ و بزرگان در قبایل	۰/۶۳۴	۰/۰۰۱
نگاه اقوام اعراب نسبت به زن	۰/۶۱۵	۰/۰۰۳
عوامل اقتصادی، اجتماعی	۰/۵۲۵	۰/۰۰۰
رضایت زوجه	۰/۵۲۳	۰/۰۰۰
مردسالاری در خانواده	۰/۵۴۸	۰/۰۰۰
ویژگیهای فرهنگی و قومی و قبیله‌ای	۰/۵۸۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول شماره ۲، بین شاخص نقش شیوخ و بزرگان در قبایل و نگاه اقوام اعراب نسبت به زن که بالاترین ضریب همبستگی را به خود اختصاص داده است می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری با طلاق توافقی میان زوجین دارند. متغیر ویژگیهای فرهنگی و قومی و قبیله‌ای، مردسالاری در خانواده، عوامل اقتصادی، اجتماعی، رضایت زوجه به ترتیب در مراحل بعد قرار گرفته‌اند. با توجه مصاحبه‌ایی در به صورت میدانی و حضوری با ۸ نفر از شیوخ عرب از طوایف مختلف سوالات شامل ۹ سوال از قبل توسط پژوهشگر تهیه و تنظیم شده بود از شیوخ پرسش انجام گرفت و نتایج آنها به شرح ذیل بیان گردیده است. با انجام هشت مصاحبه با شیوخ به اشباع نظری رسیدیم و پاسخ‌های آنان حالت تکراری پیدا کرد. لذا مصاحبه‌ها ادامه پیدا نکرد، در کد گذاری باز ۱۴ مورد بشرح زیر استخراج شد.

الف) کد گذاری باز: ازدواج دختر و پسر به صورت تحمیلی، جهت حل و فصل نزاع طایفه و عشیره‌ای (۱،۳،۵،۶)، ترجیح جنسیتی (نداشتن فرزند پسر) جهت تداوم نسل عشیره (۱،۳،۵،۶)،

استفاده مثبت از سنت های قومی و عشیره‌ای برای رفع اختلافات (۲)، تلاش در جهت رفع اختلافات زوجین و جلوگیری از وقوع طلاق توافقی (۳،۵،۶،۷)، توجه خاص به اختلافات زوجینی که در سن پایین ازدواج کرده‌اند، تأکید بر وفاداری مرد و عدم خیانت به همسر در موارد لازم (۳)، تلاش شیوخ به اولویت دادن طلاق توافقی بجای درگیری و انتقام (۱،۲،۳،۴،۵،۸)، تلاش برای کاهش دخالت غیرمنطقی والدین در زندگی فرزندان (۳،۶،۷)، تلاش برای کاهش دخالت بزرگان فامیل زن و مرد در زندگی زوجین (۳،۶،۷)، استفاده از قدرت عشیره برای حل و فصل اختلافات (۵،۶،۷)، جلوگیری از اعمال هر نوع خشونت علیه زن (۴،۶)، تأکید بر مدیریت مرد در خانواده و لزوم تبعیت زن از شوهر و پدر شوهر (۱،۲،۳،۷،۸) از کدهای تعیین شده در مصاحبه شیوخ بدست آمده است.

ب) کد گذاری گزینشی: کد گذاری گزینشی از مصاحبه با شیوخ اقوام عرب نشان دهنده عوامل مؤثر بر طلاق توافقی از نگاه آنان است که در بر گیرنده این موارد می باشد. ازدواج اجباری، حاکمیت سنت‌های قومی، نقش میانجیگری شیوخ، مشکل زوجه با سن پایین، عدم وفاداری مرد، درگیری و انتقام، دخالت اقوام و خویشاوندان، دخالت والدین زن و شوهر، قدرتمند بودن عشیره، بی توجهی و نادیده گرفتن زن ناشی از عدم پسرزایی، خشونت بر علیه زن، قدرت و اقتدار مرد در خانه می‌باشد.

ج) - مقوله‌ها: مقوله‌هایی که دارای تأثیر بازدارنده در شرایط روی دادن طلاق توافقی هستند؛ نقش میانجیگری شیوخ، توجه شیوخ به حقوق زن، حمایت شیوخ از فرزندان، جلوگیری شیوخ از دخالت دیگران، عدم حمایت شیوخ از خیانت مرد، جلوگیری شیوخ از انتقام و درگیری، بی توجهی و نادیده گرفتن ناشی از عدم پسرزایی، ازدواج اجباری، حاکمیت سنت‌ها بجای قانون، ازدواج دختر در سنین پایین، دخالت نادرست والدین و اقوام، مردسالاری و اعمال خشونت مردانه، خیانت مرد یا زن می‌باشد. در مصاحبه با

اثبات شده خیانت صورت گرفته و قادر نیستند با هم زندگی کنند و ما پیشنهاد میدیم که برای حفظ آبروی خود در طایفه و خانواده برون و طلاق توافقی بگیرن. (شیخ شماره ۸)

بحث

محقق پژوهش مورد نظر را از تمام ۴ ناحیه اهواز شامل مناطق ۱ تا ۴ اهواز است، بیشترین قسمت‌هایی در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز در آن نقاط زندگی می‌کنند. نقاط جنوب از کوی انقلاب تا کوی علوی و جنوب شرقی و غربی که شامل کوت عبدالله و سه راه خرمشهر می‌شود و نقاط غرب و شرق که از پادادشهر و کوروش و زیتون کارمندی و زیتون کارگری است و محقق از طریق ثبت احوال و ثبت اسناد و برنامه و بودجه نتوانست به آمار دقیق طلاق در در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز دسترسی داشته باشد، ادامه کار پیمایشی محقق با توجه به اینکه نسبت به یافته‌های تحقیق ناشی از در مورد پاسخ پاسخگویان به ۱۴ گزاره از بین ۳۹ پرسشنامه قانع نگردیده است به همین خاطر محقق سراغ مصاحبه با شیوخ رفته و یک کار تلفیق کمی و کیفی ایجاد نموده است و با نشان دادن این کار قصد همسان‌سازی بین مطالعات آماری و مطالعات کیفی را به عینیت برساند. مسئله طلاق توافقی در در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز به دلیل حساسیت اجتماعی که در پاسخ به سوالاتی اعم از: دخالت شیوخ و مردسالاری، وادار کردن زنان به مشاغل سخت، ترجیح جنسیتی، ازدواج اجباری، ازدواج در سنین پایین استنتاج شده است، بر این اساس کار مصاحبه برای تکمیل کار پژوهش انجام و مورد کار پژوهش قرار گرفته است. نتایج ۵ آزمون فرعی و ۱ آزمون اصلی به شرح ذیل بدست آمده است: آزمون فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین نقش شیوخ و بزرگان قبایل با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه نخست مورد تأیید واقع شد و نشان داد نقش شیوخ و بزرگان قبایل با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد بطوری که آنها حتی نسبت به خانواده‌ها نقش مهم‌تری در این زمینه دارند. می‌توان گفت خود

یکی از شیوخ در رابطه با عدم رضایت زوجین ازدواجی صورت گرفت بیان کرد. اجبار دختر و پسر زمانی زمانی که قتلی در طایفه انجام می‌گیرد و ما برای جلوگیری از انتقام و خونریزی و پایان دادن به این دشمنی خون بهایی را تعیین می‌کنیم و یک دختر از طایفه قاتل به خانواده مقتول می‌دهیم و با این کار رابطه مستحکم بین دو طایفه بوجود می‌آید و جلوی قتل‌های بعدی را می‌گیریم. ولی اگر قتل از بین عشیره نباشد دیگر نیاز به ازدواج دختر نیست بلکه مبلغی بعنوان وجه نقد از خانواده قاتل می‌گیریم و به خانواده مقتول می‌دهیم و خانواده قاتل و افراد درجه یک فقط مجبور به تهیه این وجه نقد و بقیه عشیره نیازی به کمک کردن را ندارند. (شیخ شماره ۵) در مصاحبه دیگر از یکی از شیوخ دیگر بیان کرد: در اکثر خانواده‌ها به پسر توجه بیشتر همیشه تا دختر و این به دلیل که پسر می‌تونه بعد از پدر جانشین او بشه و فرهنگ و سنت‌های عشیره‌ای را دنبال بکنه ولی اگر دختر باشه چون با کسی دیگر ازدواج می‌کنه و در رابطه با نسل خانواده خود کاری نمی‌کنه بلکه در آینده می‌تونه برای حفظ کردن نسل شوهرش مهم باشه و این عامل باعث شده که توجه بیشتر به جنسیت پسر را نسبت به دختر به همراه داشته باشه. (شیخ شماره ۱) و در مصاحبه دیگر که با یکی از شیوخ عرب دیگر داشتیم بیان کردند: در مواردی مساله خیانت خیلی حادثه و قصد کشتن زن را دارند زن به ما پناه می‌آره و چون خونه ما به اسم خونه امنی برای این افراد و با پناه بردن به ما جان خودش نجات می‌ده و ما با دخالت کردن وارد عما میشیم و برای حفظ جان زن پیشنهاد طلاق توافقی را به زوجین می‌دیم و آنها هم به زن امنیت می‌دن که جان او را نگیرن و فقط برای ثبت این طلاق به دادگاه خانواده میرن و از هم جدا میشن. (شیخ شماره ۱) اکثر دختر و پسر که به ما پناه میارن ازدواج اونها تحمیلی بوده و این عامل باعث بوجود آمدن یک رابطه نامشروع تلفنی پیامکی و عکس فرستادن زن یا مرد برای شخص غریبه و این رابطه پنهانی سبب دعوا و درگیری و مراجعه به ما شده و چون

کردن زنان به مشاغل سخت مردانه عامل مهمی برای طلاق توافقی است و در روش کیفی این مباحث گفته شده مورد اثبات قرار گرفته است. آزمون فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و اجتماعی با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. واضح است که وضعیت اشتغال شوهر در زندگی زناشویی نقش برجسته‌ایی دارد. اگر پیش از ازدواج توجه خاصی به اشتغال و ثبات شغلی شود. در آینده زن و شوهر با مشکلات کمتری در زمینه اقتصادی روبرو خواهند شد. چرا که تنگدستی اقتصادی سبب اختلافات و کشمکش‌های زناشویی می‌شود، یکی از عوامل مهم گرایش افراد به سوی روابط فرازناشویی می‌تواند همین موضوع باشد. همچنین خشونت‌های کلامی و رفتاری منجر به عدم وفاداری و خیانت خواهد شد. از عوامل دیگری که نقش مهمی دارد، می‌توان به برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت همسر، عدم صداقت اشاره نمود و در مواردی توان مالی بالاتر زن نسبت به مرد بر طلاق توافقی تأثیر دارد. فرضیه سوم از نظر آماری مورد آزمون قرار گرفت و معنادار بودن آن اثبات گردید و با توجه به مباحث گفته شده به نظر می‌رسد علل و عوامل اقتصادی و اجتماعی در طلاق توافقی در میان در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز مؤثر است و رابطه معناداری با طلاق توافقی دارد و با توجه به مراحل کار کیفی این قضیه اثبات گردیده است. آزمون فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین رضایت زوجه با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. در میان در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز دختران از بدو تولد بین فرزندان ذکور طایفه تقسیم می‌شوند و دوشیزگان موظف‌اند پس از بلوغ و آمادگی برای ازدواج به عقد فرد مورد نظر (در درجه اول پسر عمو و بعد سایر پسرها یا مرد طایفه) درآیند. آنها بر این عقیده‌اند که عقد دختر عمو و پسر عمو در آسمان‌ها بسته شده است. بنابراین به رضایت یا عدم رضایت زوج اهمیتی داده نمی‌شود. ازدواج‌های تحمیلی و عشیره‌ای، ناخواسته، مصلحتی، اقتصادی و قومی

این افراد مایلند تا جایگاه خود را حفظ کنند. در واقع شیوخ علاقه‌ای به تشویق افراد به طلاق توافقی ندارند و آنچه انجام می‌دهند تسریع طلاق در زمانی است که چاره‌ای جز انجام آن نبوده و در صورت انجام نشدن می‌توانسته به هویت و انسجام عشیره ضربه وارد کند و چنین مسأله‌ایی زمینه‌ساز انتقام‌های پیاپی بشود. بنابراین نقش آنها اصلاحی است ولی در یک نگرش کلی تر این نقش برای دوام زندگی مثبت است و تا آنجا که امکان دارد سعی می‌کنند تا از وقوع طلاق جلوگیری کنند مگر در شرایطی که راه حل دیگری وجود نداشته باشد. البته با نگاهی بدبینانه می‌توان گفت خود این دخالت‌ها هم احتمال دارد مشکلات بین زوجین را افزایش دهد اما این مورد تأیید نشده است. بسیاری از اختلافات روابط زناشویی به دلیل عدم تناسب زوجین از نظر ویژگی‌های فردی و فرهنگی بود. زوجینی که از نظر فرهنگی - قومی با هم تفاوت داشتند، توقعات و باورهای متفاوتی داشتند و همین اختلافات زمینه‌ساز جدایی آنها شده بود و از همه مهم‌تر پیشنهاد شیوخ و بزرگان برای طلاق توافقی که هدف جلوگیری از جنگ‌ها و خونریزی‌هایی که منجر به قتل‌های خانگی که مسبب آن رابطه فرازناشویی یکی از زوجین است و یا اینکه برای جلوگیری از نزاع و درگیری‌های دو طایفه که اقدام به اجبار زوج به ازدواج می‌کنند و یا نگاه به آینده و جلوی انتقام‌های بعدی را بین طایفه‌ها پیش‌بینی می‌کنند که با توجه به یافته‌های روش کیفی این مباحث گفته شده مورد تأیید قرار گرفته شده است. آزمون فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین نگاه خاص اقوام عرب نسبت به زن با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه از نظر آماری مورد بررسی قرار گرفت و معنادار بودن آن گردید، اثبات این فرضیه نشان می‌دهد که تفاوت فرهنگی عشیره‌ای بین زوج و زوجه و نگاه متفاوتی که طوایف عرب با هم دارند و قدرتمند بودن مردان در رأس خانواده، خشونت‌های فیزیکی و جنسی، تحقیر و تمسخر ناشی از عدم پسرزایی و وادار

زیان‌بخش و مضر است و اساس خانواده را متزلزل می‌کند (۱۴). در مواقعی هم دختر بجای فصل از خانواده قاتل به خانواده مقتول داده می‌شود و این بعنوان پایان‌دان به درگیری‌ها و قتل‌های بعدی است و دختر هیچ‌گونه اعتراضی برای این وصلت ندارد و یکی از پسرهای طایفه مقتول با دختر طایفه قاتل ازدواج می‌کند که به آن فیصله گویند و این یعنی پایان دادن به جنگ و خونریزی و این شاید بعنوان محاسن ذکر شود ولی برای زوجین به عنوان یک معایب می‌توان از آن یاد کرد چرا که زندگی با این دیدگاه که به جای خون به خانواده شوهر آمده است و فکر می‌کند به عنوان یک برده و کالا فروخته شده‌اند و حق اعتراض در مورد رضایت و عدم رضایت زندگی زناشویی را نخواهد داشت یا باید تحمل کند و یا در آینده آگه شوهرش رضایت دهد او را به صورت توافقی و بدون دادن هیچ حق و حقوقی به آن او را طلاق بدهد. که این نتایج بدست آمده با روش کیفی ما کاملاً اثبات شده است. آزمون آماری انجام شده نشان دهنده رابطه معنادار بین متغیرها می‌باشد بنابراین نظریه پنجم مورد تأیید قرار گرفت. آزمون فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین مردسالاری در خانواده با طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد. زندگی قومیت عرب و نظم اجتماعی آنها به صورت پدرسالارانه مردان از طریق سلطه بر زنان است و فرمانبرداری زنان از طریق مردان و با بکارگیری خشونت، قدرت و سلطه خود راتداوم می‌بخشد در خانواده‌های در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز همیشه با دخالت خانواده مرد در تمامی مسائل زندگی به همراه است و الان هم خود این عامل یکی از عوامل طلاق توافقی بیان گردیده است و عامل دیگری که بیشتر به چشم می‌خورد با توجه به پاسخ آنها این است که یکی از خانواده طرفین با اعمال خشونت و زور برای وارد کردن انحلال خانواده که منجر به طلاق می‌گردد دست به هر کاری زده که این طلاق شکل گیرد. با توجه به روش کیفی انجام شده که حاکی از دیدگاه مرد نسبت به اینکه اگر به زن آزادی بدهد و یا در مورد

مسائل زندگی او را صاحب نظر کند باعث از بین رفتن غیرت مردانگی عرب او خواهد شد بخاطر این مسأله مرد سعی می‌کند، در مورد این مسائل زن را دخالت ندهد و زن را مطیع و تابع اوامر خود نماید و حق اعتراض او مصادف با طلاق و پایان زندگی مشترک او خواهد بود که با نظراتی که از روش کیفی بدست آمده اثبات شده است، با توجه به نتایج بیان شده با فرضیه ششم، به نظر می‌رسد بین مردسالاری در خانواده و طلاق توافقی رابطه معناداری وجود دارد، اثبات می‌گردد. آزمون فرضیه اصلی به نظر می‌رسد بین ویژگی‌های فرهنگی و قومی و قبیله‌ای ایرانیان عرب تبار اهواز در چگونگی وقوع طلاق توافقی در بین آنان رابطه معناداری وجود دارد. بینش فرهنگی در میان اقوام ایرانیان عرب تبار حالت یکسانی دارد مگر اینکه با توجه به طایفه‌های اصلی و فرعی تفاوت‌های دیده شود و اگر دانش و آگاهی و اطلاعات اجتماعی و فرهنگی آنها بالا بود باعث می‌شد از جدل و بحث به دور باشند و موفقیت زندگی زوجین در بین اطرافیان ملموس می‌شد و کمتر کسی به خودش اجازه می‌داد در زندگی آنها دخالت نماید. عامل دیگر مشاوره قبل از ازدواج به زوجین و آگاهی دادن به انتخاب و شیوه درست زندگی کردن است. این موضوع کمک می‌کند شیوه رفتارها و رسوم خانواده و طایفه و عشیره و سنت‌های حاکم بر آن را بشناسند و دقت لازم را به خرج بدهند و رفتار ناپسندی ناشی از خلاف شئون انجام ندهند که سبب پایداری و دوام زندگی مشترک خواهد شد. عامل دیگر بر می‌گردد به تفاهم زوجین و گذشت کردن از بعضی از مسائلی که در زندگی مهم نیستند و نگذارند خانواده‌ها و اطرافیان در زندگی آنها دخالت کنند بلکه به صورت دو شخص عاقل خود برای آینده تصمیم بگیرند. این را باید گفت هیچ انسانی بدون عیب و نقص و کامل وجود ندارد. ولی زوجین با پیدا کردن نقاط مشترک در زندگی می‌توانند عیب‌های هم را پوشش بدهند. در روش کیفی به این موضوع رسیدیم در زندگی زوجینی که در

اقوام ایرانیان عرب تبار زندگی می کنند باید پایبند به اصول قومی و قبیله‌ای باشد و نمی‌توانند خود را یک تافته جدا بافته فرض بکنند بلکه باید طبق نظرات بزرگان و فرهنگ و قومیتی که در آن زندگی می‌کنند آینده خود را رقم بزنند و باید بدانند خلاف این اصول و مقررات و آداب و رسوم در قبیله و عشره حکم فرما است مصادف است با تنبیه و مجازات و طرد از قبیله خواهد شد. زوجه و زوج در قوم عرب بخاطر برخی عواملی به صورت پنهان دیده می‌شود که دست به طلاق توافقی می‌زنند و برای اینکه خیانت زن یا مرد توسط محکمه اثبات نگردد و این پروسه زمانی چند سال طول نکشد، بخاطر این دست به طلاق توافقی می‌زنند و رضایت یا عدم رضایت زن مهم نیست اساساً نظام شهرنشینی به ویژه در شهرهای مهاجرپذیری همچون اهواز و آن هم با قومیت‌های متفاوت، بخصوص در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز که در راستای استقلال اقتصادی زنان نوعی آگاهی و ارتباطات اجتماعی را در بین آنها رشد می‌دهد و اینکه عرب‌های اهواز از مجموع عشیره‌ها که همان طایفه و از مجموع طایفه‌ها قبیله و از مجموع قبایل قوم بوجود می‌آید و این سبک شیوه زندگی در آنها به اتحاد و همبستگی بین بزرگان و شیوخ نشانگر دوام و پایداری اقوام عرب می‌داند. این شیوخ از سنت‌های پدران خود تبعیت می‌کنند هر چند راه و روش آنها اشتباه باشد جایگاه شیوخ شأن و رتبه رئیس قبیله را حفظ نمایند. افرادی که در این طوایف زندگی می‌کنند تابع رأی تعیین شده توسط شیوخ هستند و رأی صادر شده این افراد مثل یک حکم قانونی قابل اجراء است و تخطی از آن مجازات، خشونت، جدال و درگیری را به همراه خواهد داشت در بحث طلاق توافقی نقش این افراد خیلی مهم است. عوامل فرهنگی و بومی و تعصبات قبیله‌ای و قومی مثل خیانت مرد یا زن که رئیس قبیله و شیخ برای جلوگیری از قتل و خونریزی و خشونت پیشنهاد طلاق توافقی را مطرح می‌کنند و بخاطر حفظ و آبروی خانواده به زوجین از طرف شیوخ و بزرگان پیشنهاد می‌شد

و عاملی دیگر قدرتمند بودن مردان عرب است که اگر تصمیم بگیرند زن را طلاق بدهند اصلاً به نظر زن توجهی ندارند چون در مراحل پژوهش به این مسأله برخورد کردیم که تعداد زیادی از زنان گفتند دوست نداریم طلاق بگیریم ولی شوهر ما را مجبور کرده که دوست دارم تو را طلاق بدهم و هیچ دلیل منطقی برای انجام کار خود نداشته است و این در برخی از موارد به روابط خارج از شرع با زنان دیگر مربوط است، وقتی زن خود را با زن دیگر مقایسه می‌کند و می‌بیند همسرش بدون هیچ دلیل مدرک قصد طلاق او را دارد. بدون هیچ‌گونه اعتراضی به صورت اجبار از شوهر خود جدا می‌شود. در این حالت مرد مبلغی را بعنوان مهریه به زن پرداخت می‌کند. میزان این پول به قدرت خانواده‌ها که اگر خانواده زن قدرت داشته باشد می‌تواند این مبلغ را بگیرد در غیر اینصورت هیچ حقی به زن داده نمی‌شود. چون این توافق‌ها قبل از طلاق با شیوخ و بزرگان صورت گرفته است. در این حالت اعتراضی در این خصوص ندارند. عامل دیگر ازدواج تحمیلی و اجباری نسبت به مردی که زن حاضر به زندگی با او نیست ولی بخاطر اینکه شیوخ و بزرگان یا خانواده‌ها این را بعنوان مصلحت زوجین در نظر گرفته‌اند و برای استحکام و پیوند دو خانواده و دو طایفه انجام می‌دهند و زوجین مجبور به انجام این ازدواج هستند و بخاطر ناآگاهی‌هایی که در مراحل زندگی برای آنها ایجاد می‌شود، طولی نمی‌کشد که با وجود فرزندان دست به طلاق توافقی می‌زنند. عامل دیگر ازدواج در سنین پایین است، زوجین بخاطر عدم آگاهی در مورد مسائل زناشویی و درک کافی ندارند، اجازه می‌دهند دیگران و بزرگان و خانواده‌ها به راحتی در مورد مسائل زندگی آنها دخالت‌های بی‌مورد داشته باشند. نتیجه این دخالت‌ها نزاع و درگیری و مناقشات بین زن و شوهر است و شیوخ و بزرگان و خانواده‌ها فکر می‌کنند با این کار به آنها کمک می‌کنند در صورتی که آخر کار این زوجین به دلخوری و طلاق می‌انجامد. برخی سنت‌های دیگر نیز مانند ازدواج دو خواهر با دو

برادر در بحث ازدواج اجباری و تحمیلی دیده می‌شود که در این حالت خواهر هر فرد زن مردی است که خواهر او همسر این مرد است و این نوعی تضمین اجاد می‌کند که در صورت بد رفتاری هر مرد با همسرش طرف مقابل نیز بتواند مقابله به مثل نماید. این دخالت‌ها و پیشنهاد به طلاق توافقی از جانب خانواده‌ها، بزرگان طایفه یا شیخ و یا عشیره انجام می‌گیرد و این مسأله چون دلیلی محکمه پسندی نمی‌باشد و این عارضه و پدیده در زندگی در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز خیلی به چشم دیده می‌شود، می‌تواند یک عامل پنهان برای طلاق توافقی باشد. عامل دیگر تفاوت سنی بین زن و شوهر است که در قوم عرب چون دخترها باید زودتر ازدواج کنند، سن مرد مهم نیست و احتمال دارد که تفاوت فاحشی بین سن مرد و زن وجود داشته باشد و زوجین با عدم درک متقابل بین آن‌ها دست به طلاق توافقی می‌زنند. ازدواجی‌هایی که با تشخیص بزرگان و خانواده‌ها باشد و آشنایی قبل ازدواج میان دختر و پسر وجود ندارد بخاطر این مسأله اختلافاتی در حین زندگی برای زوجین بوجود می‌آید و بجای راه حل مناسب برای مشکل دست به طلاق توافقی می‌زنند و فکر می‌کنند با این کار مشکل برطرف می‌شود. عامل دیگر تحقیر زن توسط مرد است بخاطر اینکه زن نتوانسته برای مرد پسر به دنیا بیاورد حالا زن مجبور است یا سایه زنی دیگر را در زندگی تحمل کند یا اگر قبول نمی‌کند مجبور می‌شود به صورت توافقی از شوهر خود طلاق بگیرد. شاید این دلیل یک دلیلی قضایی و محکمه پسند نیست ولی با توجه به اهمیت دادن به پسر در قوم ایرانیان عرب تبار اهواز که تا الان به عنوان یک ارزش از آن یاد می‌کنند و بعنوان یک عرف نهادینه شده به آن نگاه می‌کنند می‌تواند دلیلی پنهان برای طلاق توافقی در نظر گرفته شود. این موضوع برای مردان عرب خیلی مهم است چون بر این عقیده هستند که پسر باعث حفظ نسل و نان‌آور خانواده است و این خود نگاه متفاوت به زن محسوب می‌شود. این نگرش در طول تاریخ

نسبت به زن دیده شده است و الان هم وجود دارد. عامل دیگر اینکه در بین قوم ایرانیان عرب تبار اهواز زنان را مجبور می‌کنند، بعضی از مشاغل سخت مردانه را انجام بدهند از جمله دامپروری و باغداری و ماهی فروشی، دست فروشی و انجام امورات دیگر و این خود باعث خستگی و فرسوده شدن جسم زن می‌گردد و آن طراوات و شادابی زنانگی از بین می‌رود، مردان اکثر اقوام عرب در خانه می‌مانند و زنان را برای امورات سخت به بیرون می‌فرستند و زن مجبور است هم کارهای خانه و هم تربیت فرزندان و هم کارهای بیرون از خانه را انجام دهد و اگر خلاف آن عمل کند، منجر به خشونت‌هایی از طرف شوهر می‌گردد در اینجا بحث مردسالاری خود را پررنگ نشان می‌دهد و عاملی برای نارضایتی در زندگی زنان شده و نتیجه آن در برخی از موارد طلاق توافقی باشد. عامل دیگری که در این پژوهش به آن پی‌بردیم شیوه مردسالاری و تحت فشار قرار دادن زن و اعمال خشونت‌های خانگی است که سبب طلاق بین این خانواده‌ها شده است چون زن قصد دارد خود را از بند مرد آزاد کند دست به طلاق توافقی می‌زند. عامل دیگری که در بین زوجین مشاهده گردید عدم وفاداری بین زن یا مرد بوده است که منجر به خیانت یکی از طرفین بوده است حتی در مصاحبه با از آن به عنوان مسأله ناموسی از آن یاد کردند. چند عامل جالب در مراحل پژوهش با آن برخورد کردن طلاق توافقی زن بخاطر استفاده از حق و حقوق پدر متوفی بود، بصورت صوری از شوهر خود طلاق می‌گرفت، از مزایا استفاده نماید چون طبق قانون باید یک بازمانده داشته باشد که شرایط استفاده از حقوق پدر به او داده شود. مورد دیگر بخاطر اینکه فرزند پسر آنها به سربازی نرود بصورت صوری از شوهرش طلاق می‌گرفت و این هم طبق قانون وقتی پسری نان آور خانواده باشد از سربازی معاف می‌شود و این موارد در بین قوم عرب خیلی دیده شده است. بحث فرهنگی و قومی و تعصبات قومی وجهه پر رنگ‌تری دارد و اساس آن سیستم خاصی است و دختر یا پسر

نسبت به زن؛ با عقاید میالیک و الویت، علل و عوامل اقتصادی و اجتماعی؛ با عقاید مارکن، استلی و بلمبرگ، رضایت زوجه؛ با عقاید تسری، گرونبرگ، مردسالاری؛ با عقاید والبی و سی لی و، با آنچه در بین اقوام اقوام عرب دیده می شود مطابقت نسبی دارد و رابطه آن‌ها با ویژگی‌های فرهنگی و قومی و قبیله‌ای عقاید تونس، دویچ، دورانت، با نتایج تحقیق مطابقت دارد و با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده به این نتیجه رسیدیم که طلاق توافقی مانند تمام پدیده‌های اجتماعی پدیده‌ای چند عاملی است و عوامل زیادی در آن تأثیر گذار است. تأیید آماری فرضیات ارائه شده در این پژوهش نشان دهنده رابطه معنادار طلاق توافقی بعنوان متغیر وابسته با مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی و قومی و قبیله‌ای در اعراب بعنوان متغیرهای مستقل دارد.

نتیجه گیری

از آنجا که بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه حاضر، عوامل ازدواج اجباری در سنین پایین، تحمیل کارهای دشوار به زن، روابط فرزنشویی، اعمال خشونت زوج نسبت به زوجه، حمایت شیوخ و بزرگان عشیره، باور ترجیح جنسی، عدم تأمین حقوق مالی زوجه تأثیر مثبتی بر طلاق توافقی داشته است، لذا در این زمینه باید برای این زنان اقدامات مشاوره‌ای و حمایت اجتماعی به طور تخصصی از سوی مسئولین و دولت صورت گیرد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از استادان راهنما و مشاور که برای نگارش این مقاله راهنمایی‌های لازم را مبدول داشتند تشکر و قدردانی می شود.

آنرا می آموزند. در واقع نوعی جامعه‌پذیری درون‌گروهی یا درون قومی شکل می‌گیرد. عامل نارضایتی پدر یا مادر مرد از زن عاملی پنهان در امر طلاق توافقی است چرا که زن برای حفظ آبروی خود و خانواده هیچ اعتراضی ندارد و مخفیانه دست به طلاق توافقی می‌زند ولی اگر خلاف آن باشد با تحت فشار قرار دادن خانواده پسر و ایجاد درگیری و خشونت‌هایی میان خانواده‌ها و اینکه دختر نمی‌تواند بعد از ازدواج دست به ازدواج مجدد بزند از اعتراض دست می‌کشد و با حالت اجبار به دادگاه رفته و به طلاق توافقی رضایت می‌دهد. این عامل باز برای دادگاه یک دلیل محکمه پسند نیست بلکه دلیلی مخفی برای اقدام طلاق توافقی در بین قوم ایرانیان عرب تبار اهواز می‌باشد. زنانی که از شوهران خود جدا شده‌اند نگرش ضدستنی و قومی دارند و اینکه قبح طلاق شکسته شده است در بین زوجین، شجاعت زنان مطلقه و اینکه نسبت به جامعه ترسی ندارند و بعد از طلاق به آگاهی‌های بیشتری دست پیدا می‌کنند و حقوق خود را متوجه می‌شوند خود دلیل افزایش طلاق توافقی شده است. با توجه به موارد مذکور اثبات آماری این فرضیه می‌توان گفت بین ویژگی‌های فرهنگی و قومی و قبیله‌ای ایرانیان عرب تبار اهواز و وقوع طلاق توافقی در بین آنان رابطه معناداری وجود دارد. تمام موارد ذکر شده شاید دلیل محکمه پسندی برای دادگاه نباشد ولی به صورت پنهان می‌توانند دلیلی برای طلاق توافقی در نظر گرفته شود. این فرایند در بررسی‌های انجام شده طبق چارچوب نظری تحقیق؛ فرضیه‌ها و عقاید متفکرین مطرح شده رابطه معناداری با طلاق توافقی دارد. نقش شیوخ و بزرگان؛ با عقیده گیدنز، نگاه خاص اقوام عرب

References

1. <https://titreshahr.com/fa/news/1397/07/04/.11:09/80322>.
2. Hekmatnia, Mahmoud, (2011), Women and Family Rights, Vol. ۱, First Edition, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought, p. ۲۳۵.
3. Management and Planning Organization, (2015), Deputy of Statistics and Information, Statistical Yearbook of Khuzestan Province, Prepared in Management: Davood Aghaei, Sima Ariannejad, Nadia Nisi,
4. Bayat, Mahboubeh, (1991), "Qualitative Study of Divorce Phenomenon (Case Study: Women Applicants in Mashhad Family Courts in 1991-90)", Master Thesis in Sociology, Kerman University of Science and Research.

5. Sarukhani, Baqer Alireza Ghasemi, "Sociological study of factors affecting the increase of consensual divorce in Kermanshah", Cultural and Educational Quarterly of Women and Family, Year 7, No. 21, pp. 1-43.
6. Pournasiri, Soraya et al., (2014), "Exploration of the phenomenon of consensual divorce (case study: men of Talesh city in ۲۰۱۴)", Quarterly Journal of Social Development, pp. ۱۷۲-۱۴۳.
7. Abuzari Mostafa, (2017), "Study of Factors Affecting Consensual Divorce in Yazd Province", Fourth Conference on New Research Achievements in Social Sciences, Educational Sciences and Psychology, June ۲۰, pp. ۱۲۰-
8. Kalmijan et al., (۲۰۰۴), quoting Yaghoubi Choobari, Ali, Mohammad Amin Kanani and Razieh Yahya Pour, "Study of the relationship between lifestyle and the tendency to consensual divorce among the citizens of Rasht", Quarterly Journal of Sociology of Social Institutions, Volume ۴-۱, No. ۴۸-۱.
9. Grenfell Michael, (2013), Key Concepts of Pirbourio, translated by Mohammad Mehdi Labibi, vol. 1, first edition, Tehran, Afkar Publishing, pp. 20-40.
10. Sarukhani Bagher, (2012), "Theory in Divorce and Consensual Divorce", the Second Joint Meeting of the Family Sociology Group and the Women and Family Relations Working Group of the Iranian Sociological Association, November 13.
11. quoted by Ritter, George(2001),, Sociological Theory in Contemporary Times, translated by Mohsen Thalasi, Scientific Publications, p. ۲۰۰
12. Walby, Sylvia (1990), Theorising Patriarchy, Oxford: Basil Blackwell.p214.
13. Khoyenejad Gholamreza(1995),, Research Methods in Educational Sciences, Vol. ۱, Second Edition, Tehran, Samat Publications, p. ۶۹.
14. Qaraei Moghaddam, Amanullah, "Honor Killings or" Lamentation "among the Arab Tribes of Khuzestan", Legal Quarterly of Justice, Institute of Humanities, pp. 87-79.
15. -Chang, J(2004) "Self-Reported Reasons for Divorce and Correlates of Psychological Well-Being Among Divorced Korean Immigrant Women", Journal of Divorce & Remarriage, 40: 1, 111 - 128.
16. Gelles, R. J. and M. A. Straus (1978). "Violence in the American family." Journal of Social Issues, Vol. 35, No. 2, pp. 15-39.
17. -Gaffal, M. (2010). Factors Influencing Ex- spouses Adjustment to28 Divorce. www. Springer. Com. 978-3-13895-9.
18. -Gelles, R. J. and Straus, M. A. (1998). Intimate Violence: The causes and consequences of abuse in the American family, New York: Simon.
19. Kuper, A.and Kuper, J (1996). The Social Encyclopedia, London: Routledge.p208.
20. Mills. C. W.(1976) Sociological Imagination. Newyork. P.9.

*Original Article***Agreed divorce among the Arab tribes of Ahwaz**

Accepted: 06/03/2020

Leila Alipour^{1*}Mahro Ghadiri²Mohammad Mahdi labibi³Yousef Ghazbani⁴¹ PHD Student in Women's Studies in Women's Rights in Islam - University of Religions and Relations² Assistant Professor, Faculty Member, Shahid Beheshti University³ Assistant Professor, Faculty Member, Allameh Tabatabai University⁴ Assistant Professor, Faculty Member, Qom University of Religions and Religions

Email:

alipour.leila.95@gmailo.com

Abstract

Introduction: The aim of this study was to investigate consensual divorce among Arab Iranians living in Ahwaz than other cities in the country. Therefore, the issue of consensual divorce is of special importance in family studies. This study tries to find the causes of consensual divorce among The tribes of Iranians have been Arabized.

Methods: The type of study was conducted by a quantitative and qualitative combination of questionnaire and interview tools. The statistical population included 650 cases of consensual divorces of couples and 8 cases of Arab sheikhs of Ahwaz. In this study, information was extracted from the existing divorce registration offices in Ahwaz in the period of summer 1396 to summer 1397. The sample size was determined by calculating the Cronbach's alpha coefficient of 277 items, however, 300 cases were considered to reduce the error level. Data collection was done through questionnaires and interviews and the questions were self-made and sought to assess the objective facts that were done by focusing on variables and without evaluation and with the independence of the context.

Conclusion: The results of examining the research hypotheses showed; Factors of forced marriage at a young age, imposing difficult tasks on women, extramarital affairs, spousal violence against women, support of sheikhs and tribal elders, belief in sexual preference, have had a positive effect on consensual divorce. The hypotheses of this study were using analysis of variance and Pearson correlation coefficient and in abundance. The level of significance is 0.000 which is calculated with an error of 0.05. However, its validity has been confirmed by structural and face content method and the reliability of the measurement has been confirmed by Cronbach's alpha formula (0.796).

Consensual divorce among Ahwazi Iranians of Ahwaz has distinctive features compared to consensual divorce and its common meaning, so that this divorce is influenced by the subcultures governing ethnic and tribal life and the factors affecting it apart from individual desires to ethnic prejudices, eliminate. The compromises of some anomalies have been family deviations, revenge, murder and bloodshed. In the meantime, the sheikhs and elders of each tribe played the role of mediators, and in terms of the form and meaning of divorce, an agreement between these tribes had a different nature, which is mentioned in this study.

Key words: Forced marriage, ethnic and tribal prejudices, extramarital affairs, consensual divorce, Ahwaz.